

شکست ترامپ در جنگ ایران افسانه سلطه آمریکا را فرو ریخت

جفری ساکس:

استاد دانشگاه کلمبیا با تأکید بر اینکه جنگ ایران محدودیت‌های قدرت آمریکا را آشکار کرد، گفت، ناکامی واشنگتن در تحمیل اراده خود بر تهران، نشانه فروپاشی پروژه پساچنگ سرد آمریکا و پایان توهم جهان تک‌قطبی است.

به گزارش ایستا، «جفری ساکس»، استاد دانشگاه و مدیر مرکز توسعه پایدار در دانشگاه کلمبیا تأکید کرد که شکست «دونالد ترامپ» در جنگ ایران فقط محدودیت‌های یک دولت را آشکار نکرد، بلکه محدودیت‌های کل پروژه سیاست خارجی آمریکا پس از جنگ سرد را نشان داد.

ساکس که همچنین رئیس شبکه راه‌حل‌های توسعه پایدار سازمان ملل است، در این گفت‌وگو عنوان داشت سیاست خارجی آمریکا بر توهم سلطه، احساس برتری ایدئولوژیک و اتمتاع از پذیرش جهانی چندقطبی بنا شده است؛ جهانی که اکنون در حال شکل‌گیری است.

به اذعان او، جنگ ایران لحظه‌ای بود که «افسانه قدرت مطلق آمریکا» با واقعیت برخورد کرد. ایالات متحده به مرزهای قدرت خود رسیده است؛ نه فقط به دلیل یک عملیات نظامی شکست‌خورده، بلکه به این دلیل که جهانی که زمانی امکان سلطه آمریکا را فراهم می‌کرد، دیگر وجود ندارد.

ساکس ریشه این روند را در تاریخ طولانی سلطه غرب جست‌وجو کرد و گفت پایان هژمونی غرب با ترامپ آغاز نشد، بلکه از سال ۱۹۴۵ شروع شد. به گفته او، سلطه غرب، ابتدا اروپایی و سپس آمریکایی، هرگز دائمی نبود، بلکه یک وضعیت استثنایی تاریخی بود که بر صنعتی‌شدن، استخراج استعماری و انحصار فناوری بنا شده بود و نمی‌توانست برای همیشه ادامه پیدا کند.

او تصریح کرد که پس از جنگ جهانی دوم و فروپاشی امپراتوری‌های اروپایی، آسیا روندی آرام اما بازگشت‌ناپذیر از رشد سواد، صنعتی‌شدن، شهرنشینی و جریان عقب‌ماندگی فناوری را آغاز کرد. به گفته ساکس، وقتی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ فروپاشید، آمریکا یک خلأ موقت را با سلطه دائمی اشتباه گرفت، واشنگتن خود را «ملت ضروری» خواند، خیال جنگ تک‌قطبی را پذیرفت و سیاست خارجی خود را بر این فرض بنا کرد که هیچ رقیبی هرگز ظهور نخواهد کرد. ساکس تصریح کرد که «لحظه تک‌قطبی» از همان آغاز یک توهم بود.

او در ادامه گفت جنگ ایران نشان داد که واشنگتن دیگر نمی‌تواند نتایج مطلوب خود را بر قدرت‌های مهم منطقه‌ای تحمیل کند. ایران از تحریم‌ها، جنگ نیابتی، عملیات مخفی و رویارویی مستقیم عبور کرد، انسجام داخلی خود را حفظ نمود، اتحادهای منطقه‌ای‌اش را تقویت کرد و محدودیت‌های قدرت اجبار آمریکا را آشکار ساخت. به گفته ساکس، این فقط یک شکست نظامی نبود، بلکه شکستی راهبردی و ایدئولوژیک بود. او گفت طبقه سیاسی آمریکا همچنان چنان رفتار می‌کند که گویی هر کشوری که در برابر فشار واشنگتن مقاومت کند، نظم طبیعی جهان را نقض کرده است؛ بنابراین مقاومت ایران نه‌به‌عنوان یک واقعیت ژئوپلیتیک، بلکه به‌عنوان نوعی نافرمانی غیرقابل تحمل تلقی می‌شود.

ساکس همچنین باور آمریکا به توانایی کنترل دائمی نظام‌های جهانی را زیر سؤال برد و گفت واشنگتن بارها اهرم‌های خود را بیش از حد واقعی به‌آورد کرده است؛ چه در قالب تحریم‌های سوئیفت، چه محاصره مالی و چه تهدید نظامی. روسیه از انزوای مالی سربلند بیرون آمد، چین سامانه‌های موزای ساخت و ایران خود را با شرایط سازگار کرد. به اذعان او، این تصور که آمریکا می‌تواند هر زمان بخواهد اقتصادها را منجمد کند، متعلق به جهانی است که دیگر وجود ندارد. ساکس در بخش دیگری از این گفت‌وگو تأکید کرد در حالی که واشنگتن به‌شکلی وسواس‌گونه درگیر ایده سلطه نظامی بود، تغییر واقعی در جای دیگری رخ می‌داد. آسیا، که ۶۰ درصد جمعیت جهان را در خود جای داده، در حال صنعتی‌شدن دوباره، نوآوری و پیشی گرفتن از غرب در فناوری‌های کلیدی بود. به گفته او، چین اکنون رقیبی مهم‌تر از تورلید، زیرساخت و صنایع پیشرفته است، هند در حال رشد است و جنوب شرق آسیا در حال یکپارچه‌شدن است.

او گفت جنگ ایران یک شکست جداگانه نیست، بلکه لحظه‌ای است که آمریکا با جهانی برخورد کرد که دیگر کنترل آن را در اختیار ندارد.

ساکس همچنین درباره تداوم روایت‌های قرن نوزدهمی برتری تمدنی در میان

نخبگان غربی گفت‌وگو کرد؛ روایت‌هایی که برای توجیه سیاست‌هایی به کار

می‌روند که دیگر کارآمد نیستند. به گفته ساکس، این میراث ایدئولوژیک باعث شده سیاست‌گذاران غربی تغییرات ساختاری قدرت جهانی را نبینند.

درحالی که تمرکز افکار عمومی جهان بر تحولات خاورمیانه و جنگ جاری علیه ایران معطوف شده، هم‌زمان نشانه‌هایی از تشدید تقابل فزاینده میان آمریکا و چین نیز بیش از پیش آشکار شده است؛ تقابلی که این‌بار نتهننا در عرصه اقتصادی، بلکه در پیوند مستقیم با معادلات ژئوپلیتیک منطقه غرب آسیا در حال گسترش است. به گزارش ایستا، آمریکا در تازه‌ترین اقدام خود، بسته‌ای از تحریم‌ها را علیه چندین شرکت بزرگ چینی فعال در حوزه پالایش و تجارت نفت اعمال کرد؛ اقدامی که به‌طور رسمی با هدف محدودسازی منابع مالی ایران توجیه شد، اما در عمل یکی از مهم‌ترین بخش‌های زنجیره تأمین انرژی چین را هدف قرار داد.

پکن در یک بیانیه کم سابقه و محکم علیه تحریم اخیر آمریکا، به پنج شرکت بزرگ پالایشی خود که در لیست تحریم آمریکا هستند، شامل «هنگلی پتروشیمی (Hengli Petrochemical)»، «شاندونگ شوگوانگ لوکینگ پتروشیمی (Shandong Shouguang Luqing Petrochemical)» و «هبی (Petrochemical)»، «شاندونگ جینچنگ پتروشیمی (Shandong Jincheng Petrochemical)»، «شبنهای کیمیکال (Hebei Xinhai Chemical)» و «شاندونگ شنگشینگ کیمیکال (Shandong Shengxing Chemical)» به لحاظ حقوقی دستور داد که از تحریم‌های آمریکا علیه ایران تبعیت نکنند؛ تصمیمی که از منظر بسیاری از تحلیل‌گران، نشانه‌ای روشن از عبور چین از فاز «احتیاط» به مرحله «مقاومت فعال» در برابر فشارهای واشنگتن ارزیابی می‌شود.

اهمیت شرکت‌های هدف؛ ستون‌های پنهان امنیت انرژی چین

شرکت «هنگلی پتروشیمی (Hengli Petrochemical)» به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین

امریکا

دوشنبه ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۵
۱۶ ذی‌القعده ۱۴۴۶
۴ مه ۲۰۲۶
سال بیست‌ودوم
شماره ۶۱۶۶
۸ صفحه
۴۰۰۰ تومان

آمریکا طرح مذاکراتی ایران را برای پایان جنگ بررسی می‌کند

توپ مذاکرات در زمین واشنگتن

طرح مذاکراتی تهران برای خاتمه جنگ تحمیلی آمریکا و اسرائیل علیه ایران، با هدف اولویت‌بندی مسائل جاری میان تهران و واشنگتن تهیه شده‌است.

پس از انتشار خبر ارسال طرح مذاکراتی جدید ایران برای پایان جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران، گمانه‌زنی‌ها در مورد محتوای این طرح در رسانه‌های داخلی و خارجی تشدید شده‌است. بر اساس گزارش‌ها طرح مذاکراتی جدید ایران در واقع نسخه اصلاح‌شده طرح قبلی است که روز شنبه ۵ اردیبهشت در سفر منطقه‌ای سید عباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران به میانجی پاکستانی ارائه شده‌بود. طرح اولیه مذاکراتی ایران که در رسانه‌های خارجی از آن با عنوان طرح سه مرحله‌ای یاد شده‌بود، در واقع یک طرح گام به گام برای پایان جنگ جاری و تضمین توقف محاصمات بود.

تهران بعد از دو مجموعه مذاکرات ناکام هسته‌ای با ایالات متحده آمریکا در بهار و زمستان ۱۴۰۴ که هر دو به حملات نظامی طرف مقابل منجر شد و یک دوره مذاکره در پاکستان برای پایان جنگ تحمیلی آمریکا و اسرائیل علیه ایران، در طول هفته‌های گذشته به‌رازی‌نی‌های منطقه‌ای و بین‌المللی برای پایان جنگ تحمیلی ادامه داده‌است.

هر چند در دور نخست مذاکرات رو در روی ایران و آمریکا در اسلام‌آباد، قرار بود دو طرف در چار چوب طرح ۱۰ ماده‌ای ایران به توافقی جامع در خصوص همه مسائل مورد اختلاف برسند، اما پافشاری طرف آمریکایی بر زیاده‌خواهی‌های خود باعث شد تا این مذاکرات با شکست مواجه شود.

شرح در صفحه ۱



زنگ خطر تعطیلی پروژه‌های نهضت ملی مسکن

ورشکستگی در کمین

مسکن ملی نشست

صفحه ۶



تلاش ۵ لژیونر برای تحمیل تصمیم سخت به قلعه‌نویی

مسیر دشوار سردار آزمون

برای بازگشت به تیم ملی!

صفحه ۵



تأثیرات گشایش بازار بورس و آغاز مجدد واردات خودرو بر بازار ارز بررسی شد

رمزگشایی از جهش ناگهانی قیمت دلار

صفحه ۶

از بازار پلاستیک چه خبر؟

وقتی گرانی به کمک محیط زیست می‌آید!

صفحه ۲



سرمقاله

سعید پای بند



معادله طلایی؛ وقتی دیپلماسی پشت سنگر میدان، نفس می‌کشد

در روزهایی که فضا از تهدیدات آتش‌بار دشمنان پر شده و جنگ ترکیبی و روانی به اوج خود رسیده، برخی فریاد «جنگ، جنگ» سر می‌دهند و برخی دیگر از سر ترس، تسلیم را پیشنهاد می‌کنند. اما واقعیت میانی ایران امروز، چیزی جز «دیپلماسی فعال در سایه میدان قوی» نیست. واقعیت این است که آمریکا و رژیم صهیونیستی، با درک تفکرات ماکیاوولی و رویارویی مستقیم با ایران قدرتمند، علاوه بر این مؤلفه‌ها، به جنگ تاجوانمردانه تحریم، تهدید نظامی مکرر و بی‌ثبات‌سازی روی آورده‌اند. در چنین شرایطی، تکیه صرف بر دیپلماسی بدون پشتیبانی میدان، یعنی فروش طلا به بهای مس؛ و تکیه صرف بر میدان بدون در نظر گرفتن افاق فرمان دیپلماسی، یعنی تبدیل توان دفاعی به بحران جهانی، ۶۰ روز از حمله ی مذبحخانه ی آمریکا در صهیونیستی میگذرد، در شرایطی که منطقه غرب آسیا در آتش تجاوزگری رژیم صهیونیستی و حملات مستقیم آمریکا می‌سوزد، جمهوری اسلامی ایران در چارچوب راهبرد کلان خود، همچنان بر تعامل هوشمندانه میان دیپلماسی و قدرت میدانی تأکید دارد. ترکیبی که نه تنها از منافع ملت ایران محافظت می‌کند، بلکه معادلات سیاسی و امنیتی منطقه را نیز متحول ساخته‌است.

راهبرد درست، دیپلماسی هوشمندانه‌ای است که پشت آن «میدان» نفس می‌کشد. میدان با همان موşk‌های نظنه‌زن و استراتژیک، حرف اول را روی میز مذاکره می‌زند. دیپلماسی ما باید بتواند تحریم‌ها را دور بزند، افکار عمومی جهان را علیه جنایات اسرائیل و آمریکا روشن کند و از طریق همسایگان، فشار را بر دشمن اصلی وارد سازد. این نوع دیپلماسی، عین واقع‌بینی است.

ادامه در صفحه ۶

جنگ انرژی بین قدرت‌ها بالا گرفت

عبورپکن از فاز احتیاط به مقاومت فعال

پالایشگاه‌های مستقل چین، با ظرفیت پالایش صدها هزار بشکه نفت در روز، نقشی کلیدی در تأمین خوراک صنایع پایین‌دستی و زنجیره پتروشیمی کشور ایفا می‌کند. این شرکت به‌ویژه در سال‌های اخیر به یکی از خریداران مهم نفت با تخفیف، از جمله نفت ایران، تبدیل شده است.

در کنار آن، شرکت‌های «شاندونگ شوگانگ لوکینگ پتروشیمی (Shandong Shouguang Luqing Petrochemical)»، «شاندونگ جینچنگ پتروشیمی (Shandong Jincheng Petrochemical)» و «شاندونگ شنگشینگ کیمیکال (Shandong Shengxing Chemical)» که عمدتاً در استان شاندونگ - قطب پالایشگاه‌های مستقل چین، مستقر هستند، بخشی از شبکه موسوم به «تی‌پات‌ها» (پالایشگاه‌های خصوصی) را تشکیل می‌دهند که آنها هم سهم قابل توجهی در واردات نفت خام و اعطاف‌پذیری بازار انرژی چین دارند و پیش از این همگی در مقاطع مختلف آماج تحریم‌های آمریکا قرار گرفته بودند اما اکنون به دستور دولت مرکزی چین، می‌توانند آشکارا تحریم‌های آمریکا را نادیده بگیرند.

شرکت «هبی شبنهای کیمیکال (Hebei Xinhai Chemical)» نیز به‌عنوان یکی از بازیگران مهم در شمال چین، در تأمین سوخت و مواد شیمیایی برای صنایع سنگین نقش دارد.

بنا بر این گزارش، مجموع این شرکت‌ها، نه‌تنها از منظر اقتصادی، بلکه از نظر راهبردی برای چین اهمیت دارند؛ چرا که به پکن اجازه می‌دهند در شرایط تحریم و بی‌ثباتی بازار جهانی، منابع انرژی خود را متنوع و قابل کنترل نگه

دارد. تقابل فزاینده آشکار چین و آمریکا در شرایطی صورت می‌گیرد که تحولات اخیر در خاورمیانه، به‌ویژه اختلال

جزئیات جدیدی از مذاکرات ایران در اسلام‌آباد

بدون اجازه آقا شعرا و قانونا مذاکراتی شکل نمی‌گیرد؛

سوم: من هرگز داوطلب مذاکره با مسئولیت مذاکره با دشمن آمریکایی نبودم؛ پس از تصمیمات یکپارچه در ارکان نظام بخاطر دفاع از دستاوردهای نظام و خون امام شهید و شهیدان و مردم و رزمندگان ایران و اسلام انجام وظیفه کردم ؛ می دانستم حرف و حدیث پیش می‌آید اما باید از آبروی خود خرج می‌کردم؛

چهارم: علاوه بر اذن مذاکرات؛ محتوای مذاکرات هم در چارچوب اذن ابلاغی رهبر معظم انقلاب اسلامی جلو رفت؛ وقتی طرف آمریکایی خواست وارد بحث تخصصی هسته‌ای بشود به آن‌ها گفته شد هیات از طرف رهبر انقلاب برای ورود تخصصی به این موضوع ممنوع شده است؛ از این به بعد هم تصمیم در این حوزه منحصرا با معظله خواهد بود اما ما باید درک کنیم که در وضعیت جنگی هستیم و تصمیمات براساس آخرین اطلاعات مرتبا با اشراف ایشان مورد اصلاح و بهبود قرار می‌گیرد. بدیهی است در نهایت تصمیم با رهبر معظم انقلاب است و همه تایعنند و هیچ اختلافی هم در این حوزه نیست؛

پنجم: بخاطر پاسداشت و حرمت اذن آقا در همان ساعت، شخصا و پیش‌تر و قبل از ورود به اسلام آباد، حضور رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی را در ترکیب تیم مذاکره منع کردم .

ششم: حزب‌الله و مردم لبنان از شروط ورود به مرحله آتش‌بسی بود؛ علاوه بر این که دستور آقا هم بود اما همه در این کار متفق بودیم؛ حتی دکتر پرتشکیان

عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس با اشاره به دیدارش با قالیباف و توضیحات رئیس مجلس درباره جزئیات مذاکرات اسلام‌آباد گفت: اساس مذاکرات اسلام‌آباد با اذن رهبر معظم انقلاب اسلامی بوده و بدون اجازه آقا شعرا و قانونا مذاکراتی شکل نمی‌گیرد.

به گزارش ایستا، مجتبی زارعی نماینده تهران و رئیس کمیته قدرت ملی و جنگ‌های شناختی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی با اشاره به دیدارش با محمدباقر قالیباف رئیس مجلس در صفحه شخصی خود در فضای مجازی نوشت:

«دیربزر دو ساعت با رئیس تیم مذاکره کننده جمهوری اسلامی با دشمن آمریکایی دیدار کردم؛ این گزارش کلی من از مذاکرات از این دیدار است؛ دیربزر شنبه به دیدار دکتر قالیباف رفتم و در باره جنگ‌های شناختی ترامپ پس از شکست آمریکا در میدان جنگ و تداوم جنگ در مذاکره اسلام آباد در مجلس شورای اسلامی گفت‌وگو کردیم؛

برداشت خود از دیدار با رئیس تیم مذاکره کننده را با رعایت قانون و مسائل طبقه بندی اینطور به ملت تاریخ ساز و نخبگان جوای حقیقت گزارش می‌دهم؛

یکم: خبر دنیا و آخرت در اطاعت از ولایت فقیه و اینک آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای است؛

دوم: اساس مذاکرات اسلام‌آباد با اذن با رهبر معظم انقلاب اسلامی بوده است؛